

منظومه

گلشن راز

شیخ محمود شبستری

مقدمه: صاحب افشار تویسرکانی خط آیة العبد المکمل تویسرکانی

شستری محمود بن عبدالکریم، ۶۸۷ - ۴۷۲ق
[گلشن راز]

منظومه گلشن راز / شیخ محمود شبستری؛ مقدمه صالح
افشار تویسرکانی؛ خط عبدالملکی تویسرکانی. - تهران: میلاد،
۱۳۸۵.

د، ۱۰۰ ص.

ISBN 964-6261-81-7

نهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
واژه نامه

۱. شعر عرفانی - - قرن ۸ق. ۲. شعر فارسی - - قرن ۸ق. الف.
عبدالملکی تویسرکانی، آیه اله، ۱۳۴۴ - ، خطاط. ب. عنوان. ج.
عنوان: گلشن راز.

۸۶۱ / ۲۲

PIR ۵۵۰۲ / گ۷

۱۳۸۵

م۸۵ - ۱۱۵۲۶

کتابخانه ملی ایران



انتشارات میلاد

منظومه گلشن راز

شیخ محمود شبستری

خوشنویسی: آیه اله عبدالملکی تویسرکانی

مقدمه: صالح افشار تویسرکانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نوین

ISBN: 964-6261-81-7

شابک: ۹۶۴-۶۲۶۱-۸۱-۷

تهران - خیابان انقلاب - بین خیابان اردیبهشت و ۱۲ فروردین خیابان وحید نظری،

کوچه جاوید ۲، پلاک ۱۸۹، تلفن ۶۶۴۰۵۵۰۳ درنگار ۶۶۴۹۴۲۲۵

حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است.

حاشیه الرحمن الرحیم

بنام آنکه جان را کفایت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

زنده می‌محققین قدوه‌ی موحّدین حضرت شیخ محمود شبستری (۷۲۰-۶۸۷) هجری

حضرت سعدالدین محمود بن امین الدین عبدالکریم بن یحیی شبستری از بزرگان

مشایخ و عارفان و شاعران بنام قرن هشتم است به دلیل اعتبار و مقبولیتی

که او در ادب عرفان دارد، صفحاتی از کتابهای تاریخ ادبیات و تاریخ فلسفه

و عرفان به خود اختصاص داده است. در سال ۶۸۷ هجری در شبستر از قرائ

تبریز پای به عرصه‌ی کیمی نهاده و تربیت آن عارف بانی و سالک طریق الهی

در مسیر سلوک نزد علما و آن زمان صورت گرفته است، در تصوف مرید و شاگرد

شیخ بهاء الدین یعقوب تبریزی بوده و علاوه بر این در سفرهای زیادی که داشته

به خدمت مشایخ آن روزگاران تلمذ نموده و به قولی از علم رحمت حق «علم الهی

و علم اسماء» عالی به او دست داده است و امام محمد غزالی دارد که قدکان اسم العالم

یطلق علی العلماء بالله «بلیل جامعیتی که شیخ در علوم معقول و منقول دست یازیده بود
 بزودی شهرت و جمعیت یافته و با مشایخ عصر خود دست برآورده و مکاتبه آغازیده است
 تن تو ساعل و مهتی چو دریاست شیخ. بخارش فیض و باران، علم اسماء
 ضمن سفرهایی که در ایران و خارج از ایران داشته است چندی در کرمان حل اقامت
 افکنده و اولاد و اخداد و در آن سامان طایفه ای را به نام خواجگان تشکیل داده
 و ازین سفرهای سودبرده است این سفر باعث تجلی شدن مظاسر روحی او گردید
 "مسافران بود که بگذرد زود شیخ. ز خود صافی شدن چون آتش از دود
 تحصیلات می شیرد آذر با یحسان بوده، مرحوم رضاقلی خان هدایت در کتاب
 ریاض العارفین ص ۳۲ می نویسد: شیخی جامع بوده میان علوم عقلیه و نقلیه
 در عهد آلجایتو سلطان و ابوسعید خان در تبریز، اوقات خود را بیشتر در درس
 بحث و سفر و حال و مکاشفه گذرانده و در سال ۷۲۰ هجری وفات کرده است
 غرض زین جمیع آن بدنا کنیای شیخ. عزیز می گویم رحمت بر او باد،
 از استادان و پیران شیخ خبری دقیق در دست نیست و شیخ ادعای مرجعیت

همه داند کاین کس در همه سر شیخ نکرده هیچ قصد گفتن شعر
از استادان خودش شیخ امین الدین را نام می برد و در باره می می سرود
شیخ و استاد من امین الدین دادی اتحی جوابهای چنین
من ندیدم دگر چنان استا شیخ کافرین بر روان پاکش باد
وفایت شیخ را با اختلاف در سالهای ۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰ هجری نوشته اند
که ۷۲۰ مقبول افتاده و بر سنگ نزارش حک گردیده، عمر حضرت شیخ را
سی و سه سال تقدیر افتاده و این همه را بحمدی قدسی از خود پراننده است
مقبره ای از آگاه عرفان ایران در کنار استادش شیخ بهاء الدین یعقوب
قرار دارد. وی در جوانی چند اثر گران سنگ نظم و نثر نگاشته که مهمین
آنها همین دریای موج و پرگهر و ماندگار شوی گلشن راز است.
گلشن راز است شرح عشق و لب جانانه شرح عرفان و صفا بانک جوس
گلشن راز منظومه ای است به بحر هزج مسدس و مقصور یا مخدوف و
«مخاعیلن مخاعیلن فعولن» در ۹۹۳ یا ۱۰۰۰ بیت و در پاسخ به ۱۵ سؤا

منظوم صوفی معروف امیر حسین حسینی هروی در سوال ۷۱۸ هجری
 بگلشن راز دادی بامعنی بجا نهد که شرح عشق گفتی بی تائی
 این متفکر شوریده سر همچون دیگر مستکبران ایران، شهاب الدین همدانی
 عین القضاة و عطار و ابوسعید و دیگر عارفان صافی دل قصدی جز
 رضای حق نداشته و به اشارت حال عالی مقام ضمن پاسخ به سوالات
 درباره‌ی موضوع های گوناگون عرفان فلسفی گفتگویی کند و این بحثها
 بیشتر بعنوان تمشیل و یا قاعده از جوابها متمایز شده است
 بگلشن راز بهجت ایجاز و جامعیتی که در بین آراء و عقاید و معارف صوفیه
 دارد چندین شرح نوشته اند، از آن جمله شرح کمال الدین حسین اردبیلی
 مختلص به الھی در سده دهم، شرح شاه دایلی الی الله شیرازی به نام نسیم
 گلشن، شرح محمد بن یحیی بن علی لایسی در سال ۸۷۷ و شرح مظفر الدین علی
 شیرازی و شرح ادریس بن حنّام الدین بدلیسی مورخ معروف سده
 دهم ترکیه و شرح شیخ بابا نعمت الله بن محمود نخجوانی و شرح ابراهیم بن محمد

شریعتمدار سبزواری خراسانی و نیز شرحی به عبدالرحمن جامی نسبت داده اند
 که مورد تردیدی باشد. این منظومه را به زبانهای انگلیسی و آلمانی ترجمه کرده اند
 و از معروفترین کتابهای عرفانی ایران است. صاحب مابینامه حافظ،
 پرفورامین می فرمایند: بابر قول همه شارحان و پژوهشگران بی شک گلشن
 رامی توان یکی از ارزنده ترین کتابهای عرفانی و فلسفی و کلید گشایش برای
 رسیدن به سیر الی الله سالکان دانست که حقیقتاً باید ایگونه گفت:
 به دل گفتم چه باشد باب اعجاز حدیث عاشقی راقصه پرداز
 ندای دل به گوش جان شنیدم بخانده کتاب بی مثال گلشن راز
 شیخ محمود علاءه بر این شنوی گهر بار کتابی چون شاهنامه و سعادت نامه
 سروده است و در نشر ساله ای از جمله حق الیقین مرآت المحققین که چون
 گلشن راز چکیده حکمت نظری صوفیه است. و از این آثار معلوم می شود که
 شبتری با افکار و آثار ابن عربی مخصوصاً فتوحات مکیه و فصوص الحکم کاملاً
 آشناست و آلفت خاصی با آثار حضرت شیخ عطار داشته و از

۳ که باشم من مرا از من خبر کن
 ۴ مسافر چون بود هر دو کدام است
 ۵ که شد بر سر وحدت افت آخر
 ۶ اگر معروف عارف نایاب است
 ۷ که این نقطه را نطق است انما
 ۸ چرا محسوس را گویند اصل
 ۹ وصال ممکن است به هم چیست
 ۱۰ چه بحر است آنکه نطقش ساحل است
 ۱۱ چه جزو است آنکه او از کل جزو است
 ۱۲ قدیم و محدث از هم چون جدا
 ۱۳ چه خواهد بود معنی زان عبارت
 چه جوید از سر زلف و خط و خال
 ۱۴ شرب شمع و شادمانی است
 چه معنی دارد اندر خود سفر کن
 که را گویم که او مرد تمام است
 سناسای چه آمد عارف آخر
 چه سودا در سر این مشت خاک است
 چه کوی هست نه ای بود آن بقی
 سلوک و سیر او چون کشت حاصل
 حدیث قرب و بعد و پیش و کم است
 ز قمر او چه گوهر حاصل آمد
 طریق رفتن آن جبهه چون است
 که این عالم شد آن دیگر خدا شد
 که سوختن لب و اردا اشارت
 کسی کا ندر مقامات است احوال
 خراباتی شدن آخر چه دعوی است

همین جاست که گاه سخن بیان او در گلشن راز به شیوه عطار نزدیک است
 توانایی که در یک طرفه العین شیخ زکاف نون پدید آورد کمین
 اگر خواهیم در یک طرفه العین عطار زکاف نون پدید آریم کمین
 این آرزوگاه کانون معرفت در حل و فصل مسائل دینی و حکمی بسیار دقیق
 بوده چنانچه معروفترین اثرش که همین گلشن راز است برای پاسخ به ابهامات
 سروده شده است.

چهارم سور جان را نور اعنی امام ساکنان سید حسینی
 و الحق هر مصرعش اعجازی را دارد و یک دیوان است

بود هر مصرع دیوان اعجاز خیال روشن آینه پردا
 برای بلبل شیدای جانها بخانده تو راز گلشنی ای گلشن راز
 مثنوی گلشن راز پاسخ به ۱۵ سوال عرفانی است که به شرح زیر است
 انخت از فکر خویشم در تحیر چه چیز است آنکه خواندش تهنیت
 یکدین فکر ما را شرط راه است چرا که طاعت است که گناه است

وسعت حوزه ی افکار و اندیشه های بلند او در میان معاصران است
 و تا آنجا که برای انسان میسر است به گوهر چیرۀ آگاهی می باید و جلوه
 از مراتب وجود بر او مکتوف و به حقایق پی برده و سخن را کوتاه می کند
 یکی بین و یکی گوی و یکی دان بدین ختم آمد اصل و فرع ایمان
 سخن بسیار دانی اندکی گوی یکی را صد مکن صد را یکی گوی
 بازتاب این دو بیت فقط در احساسات ظریف و شعور و شعرا اتفاق می افتد
 و اوج تفکر آن گوهر فرزانه و عارف شوریده حال در این ابیات به شکلی
 رسیده و الفاظ را در قالب اندیشه متجلی می سازد.

به هر چیزی کل کان نیست گردد کل اندر دم ز اسکان نیست گردد
 جهان کل است و در هر طرفه تعین عدم گردد و لایققی زمانین
 و گریه شود پید اجهانی به هر لحظه زمین و آسمانی
 جهان چون خط و خال چشم و ابرو که هر چیزی به جای خویش نگو
 سخن کوتاه، اینکه مثنوی گلشن راز به سبب سادگی و روانی داشتال
 خ

۱۵ بُت و زُنا و ترسائی در این کوی همه کفر است، اگر نه چیست بگوی

هر چند در ک فضایل راه این ابر اکامان طریق حق و حقیقت لازم است
اما بقول افلاطون شناسایی همان یاد آوری است که چراغ دانش و روشنی
در نهاد آدمی است و از پر تو تشعشع نور دل اکامان حضرت حق متجلی می گردد
آری اگر چه نتوان مانند آنها شد ولی نباید از انفاس قدسی آنها بی بهره ماند
دیویم چنان پری شدن شوار است بر جس تو مشتری شدن شوار است
از گلشن راز نگه ای فکرمید نگارنده محمود شبستری شدن شوار است
بنابر ادلال حضرت شیخ

دل عارف شناسای وجود است وجود مطلق او را شهود است

هیچ مقامی بالاتر از مقام معرفت نیست و باید به خود همواره گوشزد کنیم
اگر جویای عشق و عکلم دینی بیاتاروی آن دلبر کسینی
به دست معرفت بادیده ی با نگارنده گلی از گلشن رازش بچینی
کثرت تعداد شرحیایی که برای فهم گلشن راز نوشته شده، نشان دهنده

معانی کثیر عرفانی مطبوع طبایع گشته و چندین بار نه تنها در ایران بلکه در هند
 به زیور طبع آراسته شده و یکی از گرانها ترین اثرهای عرفانی است که در
 بین اهل دل راه یافته است بنده می تحیر افتخار نگارش این مقدمه را بایم
 و به تقاضای دوست عزیزم خوشنویس این منظومه شریف آیه العبد المکمل و غیره
 اطاعت امر نموده و در اختیار ایشان قرار دادم تا در انتشارات میلاد
 به چاپ برساند و امیدوارم که مقبول بگردد
 واقع گردد.

بنام خویش کردم ختم و پایان الهی عاقبت محسود گردان

صاحب افشار توسیرگانی

شاعر و نویسنده می معاصر

۱۳۸۵ خورشیدی